

آداب مناظره از نگاه قرآن و سنت

زینب سنجولی

عضو هیئت علمی، گروه الهیات، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران گروه الهیات، زاهدان، ایران

چکیده

یکی از رسمی ترین شیوه های بحث و استدلال، روش مناظره است. مناظره، نوعی گفتگوی علمی به هدف شناخت آراء و نظریات دیگری است که در این گفتگو های سامان یافته و هدفمند، هر طرف می کوشد تا براساس روش پرسش و پاسخ، افکار دیگری را شناسایی و با نقد آن، درستی و نادرستی فکر و نظری را ارائه دهد و موجبات تغییر و تبدیل نگرش و بینش طرف مقابل و یا شنوندگان را فراهم آورد. در مناظرات اسلامی، هدف واقعی، برطرف ساختن موانع و کشف حقیقت می باشد و تنها ابزارهای وصول به حق و کشف حقایق، عقل، منطق، دلیل و برهان است و معیار صحت و سقم استدلال نیز، مطابقت آن با واقع می باشد. لذا، گفتگو و مناظره، عاملی برای بروز اندیشه ها و باور هاست؛ که در فرآیند یک گفتمان علمی و سالم و در تضارب افکار و اندیشه ها، بستری برای رشد و شکوفایی عقول و ظهور حقیقت فراهم می گردد.

واژه های کلیدی: مناظره، آداب، قرآن، سنت و مرآء.

۱- مقدمه

مناظره از بنیادهای استوار دین اسلام است که قرآن کریم ضمن بیان سرگذشت انبیا، ابعاد و شیوه های آن را بیان داشته است. این شیوه تبلیغی، اثری عظیم در شناساندن حقانیت شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و تفهیم لزوم پیروی از آن را در پرسشگران بی غرض داشته است.

از رسول خدا (ص) روایت شده است: (تذکروا و تلاقوا و تَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِيثَ جَلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِينُ كَمَا يَرِينُ السَّيْفُ جَلَاءُهَا الْحَدِيثُ). (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱)

- با یکدیگر، مذاکره و ملاقات و گفتگو کنید؛ زیرا حدیث و گفتگو صیقل دلهاست. همانا دلها مانند شمشیر زنگار می گیرد و صیقل آنها حدیث است.

از راه های عمده دعوت انبیا در همه دوران ها، جدال به نیکوترین روش بوده است. در این جدال ها، عاطفه، احترام انسانی، روشنگری، استدلال منطقی، قاطعیت، توکل ایمانی و... رعایت شده است. یکی از شیوه های تبلیغی انبیا علیه السلام این بود که برای دعوت قوم خود، به سخن گفتن با آنها می پرداختند و با طرح مسائل مختلف و از راه های گوناگون درصدد این بودند که قلوب مردم را نسبت به پذیرفتن شریعت خود آماده کنند و حقانیت دعوت خود را برای آنها اثبات نمایند. بعضی مواقع نیز پس از بیان اندرزها و بشارت های متعدد از جانب انبیا، قوم آنها به ویژه اشراف و بزرگان به پاسخ گویی و عکس العمل می پرداختند و ضمن بیان اتهاماتی به آنها و یا پیروانشان، دعوت آنها را رد کرده و کار به مناظره بین آنها کشیده می شد. قرآن کریم در چند موضع ضمن بیان آیات مربوط به ماجرای انبیا، به موارد بحث و جدل و مناظره آنها با قومشان اشاره می کند که با رعایت ادب، احترام، حق گرایی و استدلال متین و قاطع به مناظره با مخالفان می پرداختند و این همان جدال احسن است که در فرهنگ قرآنی بدان توصیه شده است.

لذا، مناظره و تبادل فکر و نظر، به عنوان یکی از شیوه های تبلیغی، در صورتی که اصول، شرایط و ضوابط خاص آن رعایت شود، می تواند در راستای دعوت و تبلیغ به عنوان کاری مقدس و هدفدار، موفقیت هایی را حاصل نماید. هر کس برای خدا و در راه او مناظره نماید و هدفش جز به دست آوردن حق و اعتلای آن نباشد، دارای علایم و مشخصاتی است که از رهگذر آن، شروط و آداب مناظره روشن خواهد شد.

البته گفتگوها و مناظره ها می تواند به اشکال گوناگون و روش های مختلف انجام گیرد. به این معنا که گاه گفتگوها، به شکل جدلی انجام می شود که هدف از آن تنها چیرگی بر طرف دیگر است که از آن به جدل مذموم و ناپسند یاد می شود؛ و گاه به قصد بازشناسی نقاط ضعف و بطلان فکر و نظر طرف مقابل است که در این جا، هدف تنها، چیرگی بر طرف دیگر گفتگو نیست؛ بلکه هدف آن است که اموری که بر مخاطب پوشیده مانده است، آشکار شود و خود وی به نادرستی و بطلان فکر و نظرش برسد؛ که از این نوع گفتگوها در قرآن، به جدال احسن یاد شده است. در این نوع گفتگوها، هم از نظر ابزاری و محتوایی و هم در شیوه بیان، اصول انسانی، حقیقت خواهی و عدالت جویی مورد توجه قرار می گیرد.

مناظره و جدال احسن در دین اسلام همچون دیگر ادیان آسمانی، جنبه ای حیاتی از دین و وسیله ای کارآمد در ابطال و دفع شبهاتی است که صاحبان مذاهب و اندیشه های انحرافی ایجاد می کنند. مناظره همچون دیگر روشهای تبلیغی، اصول و مبادی خاصی دارد که باید آداب و موازین آن رعایت شود تا موفقیت حاصل آید. "مناظره و گفت و گو، زمانی نوید بخش و مبارک تلقی می شود که اولاً موضوعات و مباحث موردگفت و گو، موضوعاتی مفید و ثمربخش باشد و ثانیاً، گفت و گوها و مباحثات علمی در فضایی مناسب و به شیوه ای سالم و با مراعات همه ی اصول معرفتی و اخلاقی انجام گیرند. فقدان شرط اول، بحث ها را تبدیل به مناقشات بی حاصل و بی ثمر می کند و فقدان شرط دوم، علاوه بر این امر، مفاسد و مشکلات اجتماعی به بار می آورد". (فناپی اشکوری، ۱۳۷۴، ص ۱۲)

۲- مفهوم مناظره**۱-۲- معنای لغوی**

مناظره، واژه ای عربی و از ریشه نظِرَ نظراً، مَنْظَرًا، مَنْظَرَةً است. (ابن منظور، ۱۴۰۸ه، ج ۱۴، ص ۱۹۱) اصل معنای «النَّظَرُ»، دیدن با چشم می باشد.

صاحب مقاییس اللغه ضمن اشاره به این معنا، اضافه می نماید که این کلمه توسعه معنایی یافته است. (ابن فارس بن زکریاء، بی تا، ج ۵، ذیل واژه نظر) و در نتیجه همین توسعه معنایی، به مفهوم تدبّر و تفکّر در یک امر نیز به کار رفته است. (معلوف، ۱۹۹۲م، ص ۸۱۷)

مناظره در ادب فارسی به معنی «جدال کردن»، «با هم بحث کردن»، «با هم سؤال و جواب کردن»، «با هم نظر کردن؛ یعنی فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی»، «مجادله و نزاع با همدیگر» و نیز «بحث با یکدیگر در حقیقت و ماهیت چیزی» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۵۶۲) به کار رفته است.

۲-۲- معنای اصطلاحی

مناظره، مکالمه و گفت و گویی دو طرفه است که هر یک با استدلال و ارائه براهین سعی می کند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات برساند. (رزمجو، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳)

مناظره نیز مانند مفاخره، در اساس، حماسه است؛ زیرا در آن، بین دو چیز بر سر برتری و فضیلت خود بر دیگری، نزاع و اختلاف لفظی درمی گیرد و هر یک با استدلالاتی خود را بر دیگری ترجیح می دهد و سرانجام یکی مغلوب یا مجاب می شود. (شمیسا، ۱۳۷۰، ص ۲۶۱).

۳- فواید مناظره

مهمترین فایده مناظره، فایده آموزشی آن است. آموزش علوم مختلف، دین، عقاید، اخلاق و... در مناظره از یک سو کلیه اطلاعات راجع به موضوعی جمع آوری می شود و از سوی دیگر با بیان آن منتشر می شود.

اهمیت این آموزش ها نیز در آن است که اولاً، چون نتیجه بحث و استدلال است، در اذهان ماندنی است و ثانیاً، به دلیل غیر مستقیم بودن، پذیرفتنی تر و جذاب تر است. ارزش بلاغی مناظره در حین پیام دهی غیر مستقیم آن است. همچنین مناظره عامل و انگیزه تمایل و گرایش افراد به علم و دانش است؛ زیرا اگر علاقه به سیادت و حبّ جاه از دل و فکر مردم بیرون برود، علوم و دانش ها دچار فرسودگی می گردد. یکی دیگر از فایده های مناظره این است که محاسن و معایب مسئله یا موضوع مورد بحث آشکار می شود و در نتیجه امکان توسعه و تکامل آن فراهم می آید. همچنین مناظره به منظور بازیافتن دقیق مآخذ و اسناد علم و آگاهی صورت می گیرد. ذهن انسان از مجرای چنین مناظره ای، ورزیده شده و جان و روح آدمی نیرومند می گردد. اگر مناظره کننده آداب مناظره را رعایت کند و آفات و نتایج سوء مناظره نادرست را شناسایی و مراعات نماید، بحث و مناظره او با رعایت شرایط آن و احتراز از آفات ذکر شده، فواید و عواید سودمندی را که عبارت از رغبت و گرایش به علم و دانش است، به دنبال خواهد داشت. (شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۵۴۸)

تاریخ نشان می دهد که تکامل علوم، به ویژه معارف عقلی بشر در پرتو مباحثات علمی، تضارب آرا و تعاطی افکار تحقق یافته است و ثمره آن، رشد و شکوفایی فرهنگ جوامع مختلف می باشد.

۴- هدف گفتگو و مناظره علمی

هدف از مناظره همیشه، «بیان برتری خود (یک طرف) بر دیگری» نیست. هدف اصلی مناظره های رسمی، رسیدن به حقیقت یک امر است؛ بر خلاف مجادله ها که هدف از آنها، اسکات خصم و غلبه بر او است؛ اما این هدف همیشه در مناظره ها لحاظ نمی شود. یکی از اهداف مناظره، آموزش است؛ آموزشی غیر مستقیم که به دلیل شیوه خاص مناظره در اذهان ماندگار است.

(شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۵۴۷)

ارزشمندی گفتگو، مباحثه و مناظره، به عنوان فعلی از افعال اختیاری انسان، منوط به انگیزه فرد از انجام آن است؛ وگرنه خود گفتگو، فی نفسه نه دارای ارزش اخلاقی مثبت است و نه ارزش اخلاقی منفی. باید دید هدف فرد از ورود به عرصه گفتگو با دیگران و انجام مناظره چیست؟ به طور کلی، می توان انگیزه افراد را از مناظره و گفتگو، یکی از موارد ذیل دانست:

۱-۴- انگیزه های مثبت

۱-۱-۴- حق خواهی

گاهی برای یک فرد، حقیقت و واقعیت مسئله ای روشن نشده است و با گفتگو و مناظره با دیگران، به دنبال فهم حقیقت است. یکی از فواید و برکات مهم گفتگو، این است که در جریان گفتگو و مباحثه و مناظره با صاحب نظران، بهتر و بیشتر می توان حقیقت را شناخت. در روایات فراوانی بر رایزنی علمی با دیگران و افراد صلاحیت دار تأکید شده است و مباحثه و گفتگوی علمی به عنوان یکی از راههای کشف حقیقت و دست یابی به واقعیت معرفی شده است. به هر حال، یکی از مهم ترین و اخلاقی ترین اهداف مناظرات علمی، باید کشف حقیقت باشد. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۹۹)

۲-۱-۴- روشنگری

یکی دیگر از مهم ترین و ارزشمند ترین اهداف گفتگو، روشنگری و هدایت و راهنمایی دیگران است که این البته از وظایف اخلاقی ما نیز هست. همچنین، یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در حوزه معرفی، مناظره با کسانی است که نادانسته و ناآگاهانه در عرصه اندیشه به انحراف کشیده شده اند و یا حقیقت برای آنان مشتبه شده است. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۱ و ۲۳۲)

۲-۴- انگیزه های منفی

گاهی هدف از مناظره، صرفاً غلبه بر طرف مقابل و به کرسی نشاندن سخن باطل و نادرست و غیر مستدل خود است؛ یعنی انسان با اینکه می داند سخن یا ادعای او باطل و نادرست است، اما باز هم بر آن پافشاری می کند و کار را به جدال و مراء می کشاند؛ که این یکی از بزرگترین و خطرناک ترین رذایل اخلاقی است. هدف چنین کسی از مناظره، روشن شدن حق نیست؛ بلکه انگیزه های دیگری چون شهوت طلبی، مباحثات، فضل فروشی و امثال آن دارند. اینان می کوشند با هر وسیله ای، فکر و اندیشه یا رفتار خود را توجیه کنند. (همان، ص ۲۳۲)

بدیهی است مناظره ها و گفتگوهایی که چنین اهدافی را دنبال می کنند، علاوه بر اتلاف وقت، سبب تقویت خوی تعصب، خودخواهی و خودمحوری و خودنمایی انسان می شوند و اگر سبب گمراه شدن دیگری نیز بشود، گناهی بزرگ و خطایی است که خودش را تباه و دیگری را گمراه خواهد کرد و نامش در زمره گمراهان و گمراه کنندگان ثبت خواهد شد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۷۲)

۵- شرایط و آداب بحث و مناظره

با توجه به این که مناظره در احکام دین، جزئی از دین است و شرایط، محل و زمان خاصی دارد هر کس که به مناظره مشغول می گردد، باید شرایط و آداب آن را رعایت نماید. همچنین اگر در این امر از گذشتگان خصوصاً اهل بیت علیهم السلام پیروی نماید، موفقیت هایی را به دست می آورد؛ چرا که اخذ کلیه علوم دینی از ایشان چه به صورت شفاهی، روایات وارده و یا به واسطه استنباط از اخبار و آثار و روایاتشان لازم و ضروری است؛ زیرا اهل بیت جز برای رضای خدا و طلب حق مناظره نمی کردند.

علمای اسلامی در جهت تحقق هدف تعالی آیه (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ). (نحل/ ۱۲۵) موارد و حدودی را تحت عنوان آداب و اصول مناظره ذکر کرده اند و حفظ و رعایت آنها را در مقدمه ورود به بحث مناظره لازم دانسته اند که در زیر به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱-۵- قداست هدف؛ اثبات حق و حق جویی

هدف از مناظره، باید مقدس باشد؛ یعنی قصد او از مناظره، ادراک حق و طلب ظهور باشد- به هر صورتی که اتفاق افتد، نه این که مقصودش آن باشد که رأی و وسعت دانش و صحت نظر خود را اظهار کند؛ زیرا این عمل، مجادله و مراء است که اکیداً پرداختن به آن نهی شده است. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۹۴)

از نشانه های الهی بودن هدف مناظره، این است که مناظره کننده جز در مواردی که امید تأثیر در طرف مقابل وجود دارد، وارد مناظره نگردد و اگر بداند طرف بحث او، سخن وی را نمی پذیرد، زیر بار حق نمی رود و بر رأی و نظر خود پافشاری می کند- اگر چه خطا و اشتباه او کاملاً روشن باشد، مناظره با او جایز نیست؛ زیرا بر این گونه مناظرات، آفات و نتایج سوئی مترتب می گردد. (شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۵۰۳)

از دیگر اهداف مناظره، روشن شدن نظرات باطل است. دو عقیده متضاد باید در مقام مجادله احسن و مناظره، بررسی و نقد گردد تا بطلان یک عقیده و حق بودن نظریه دیگر معلوم گردد. در مقام مجادله، نباید انگیزه تحمیل عقیده و ارائه معلومات و اطلاعات منظور باشد؛ زیرا این گونه اهداف، مناظره را به جدال و مراء می کشاند و خصومت و لجاجت را ایجاد می کند. در این صورت نه تنها ابهامات زایل نمی گردد، بلکه بر تاریکی ها و غموض آنها نیز افزوده می شود.

مناظره کننده باید در به دست آوردن حق، همچون کسی باشد که دنبال گمشده خویش است؛ چرا که: (الحکمة ضالّة المؤمن فحيثما وجد أحدكم ضالته فليأخذها). (کلینی، ۱۴۱۴ه. ق، ج ۸، ص ۱۶۷)

- حکمت گم شده مؤمن است پس هر جا یکی از شما گم شده خود را یافت، آن را برگیرد.

برای او تفاوت نداشته باشد که حق بر دست او ظاهر گردد یا به وسیله دیگری؛ و طرف مناظره خود را یاور خویش بداند نه دشمن خود؛ و هر گاه خطایش را به او گوشزد کند و حق را برایش ظاهر سازد، او را سپاس گوید. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۹۶)

۲-۵- اولویت امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مناظره

اشتغال به مناظره، در صورتی درست است که در هنگام انجام دادن مناظره، چیزی که مهمتر از آن باشد، وجود نداشته باشد؛ زیرا هر گاه مناظره به صورت شرعی آن انجام و واجب شده باشد، از واجبات کفایی است و اگر در آن هنگام، واجب عینی یا کفایی مهمتری متوجه مناظره کننده شود، اشتغال او به مناظره جایز نیست. (همان، ص ۱۹۴) از جمله این واجبات، امر به معروف و نهی از منکر است که ممکن است مناظره کننده در مجلس مناظره با یک سلسله از منکرات مواجه گردد. بر اساس مراتب امر به معروف و نهی از منکر، مناظره مطلوب و مستحسن، مناظره ای است که مورد نیاز بوده و نسبت به سایر مسایل در اولویت قرار گیرد. مناظره باید به وقایع مهم دینی یا مسئله قریب الوقوع، اختصاص یابد.

به عبارت دیگر، باید موضوع مهم و حیاتی را محور قرار دهد، نه یک امر جزئی و پیش پا افتاده؛ چرا که اگر هر مسئله کم ارزش و یا مسائلی که در آینده بسیار دور اتفاق می افتد، مورد بحث و مناظره قرار گیرد، موجب اتلاف وقت می گردد. همچنین اگر مسائل دینی مورد بحث قرار می گیرد، باید از جمله موضوعاتی باشد که طرفین صلاحیت بحث درباره آن را داشته باشند. در هر صورت مناظره باید سرنوشت ساز باشد. (شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۵۰۴)

۳-۵- مناظره در مورد واقعه مهم یا قریب الوقوع

مناظره کننده باید در باب واقعه ای مهم که اتفاق افتاده یا قریباً روی خواهد داد، مناظره کند؛ گاهی مناظره کننده، راجع به مسئله ای بحث و مناظره می کند که هیچ وقت برای کسی پیش نمی آید و یا به ندرت اتفاق می افتد؛ مهم این است که حق معلوم و مشخص شود و سخن بیش از آنچه برای اثبات حق مورد نیاز است، نباید به درازا بکشد و نباید فریب خورد به این که مناظره در اینگونه مسائل نادر، ورزیدگی فکر و ملکه استدلال و تحقیق را ایجاب می کند. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۹۵)

۴-۵- مناظره در خلوت، نه در جمع بزرگان

مناظره در خلوت را دوست تر بدارد از این که در میان جمع و در محفل بزرگان انجام گیرد؛ زیرا خلوت، بیشتر باعث جمعیت خاطر و مناسبتر برای حصول صفای فکر است و درک حق در حضور خلق، انگیزه ریا و حرص و غلبه بر طرف را هرچند بر باطل باشد، تحریک می کند. گاهی اتفاق می افتد که افراد بد اندیش از دادن پاسخ مسائل در خلوت اظهار کسالت می کنند و رغبت دارند مسأله در میان جمع مطرح گردد تا در مجامع راه حلی را که ارائه می دهند منحصر به خود وانمود کنند. (همان، ص ۱۹۶)

۵-۵- مناظره با افراد برجسته علمی

مناظره باید با افرادی صورت پذیرد که دارای استقلال علمی، صاحب نظر، برجسته و معروف باشند تا در صورتی که مناظره کننده طالب حق باشد، بتواند از بیاناتشان سودمند گردد؛ اما مناظره کنندگان غالباً از مناظره با دانشمندان بزرگ و فحول علم دوری می جویند، از بیم آن که حق بر زبان آنها جاری می شود و رغبت دارند با کسانی که در علم از آنها پست ترند مناظره به عمل آورند؛ به این امید که باطل خود را ترویج کنند و آنان را تحت تأثیر قرار دهند. (همان، ص ۱۹۷)

۶-۵- داشتن اخلاص و انصاف در مناظره

مناظره کننده باید خود را داعی الی الله بدانند و پیوسته رسالت هدایتگری و روشننگری را در جهت اعتلای کلمه حق، بر دوش خود احساس کند و علم و دانش را با این هدف که با نابخردان درافتد و با دانشمندان به جدال و ستیزه برخیزد و یا نظر مردم را به خود معطوف سازد، فرانسگیرد.

همچنین، مناظره کننده نباید طرف مقابل خود را در مناظره در انتقال از دلیلی به دلیل دیگر و یا از سؤالی به سؤال دیگر باز دارد؛ بلکه باید امکاناتی را به وجود آورد تا آنچه در ذهن خویش فراهم آورده به کار گرفته و آن را ارائه نماید و از خلال سخنان وی آنچه را مورد احتیاج او در رسیدن به حق و حقیقت است، استخراج نماید. (همان، ص ۱۰۱) اگر حق را در سخنان او یافت و یا گفتارش مستلزم آن بود- هر چند وی از این ملازمه غافل باشد، سخنانش را بپذیرد و خداوند را سپاس گوید؛ چه غرض او رسیدن به حق بوده است. (همان، ص ۱۹۶)

۷-۵- رعایت ادب در مباحثه و رویارویی

مناظره باید در چارچوب اخلاق پسندیده انجام شود؛ تا به ستیزه جویی و ناسزاگویی و تکفیر منتهی نگردد. مناظره کننده باید پیوسته از الفاظ محکم و قوی بهره گیرد و از به کارگیری الفاظ ناشایست و کنایات اهانت بار و امثال آن که موجب برانگیخته شدن انواع حساسیت و کینه توزی می گردد، اجتناب نماید؛ چرا که در این صورت، مناظره از حالت «أحسن بودن» خارج شده و به ستیزه جویی و دشمنی می انجامد.

مناظره کننده در هنگام بحث و گفت و گو، صدایش را از حالت متعارف و معمول بلندتر نکند؛ زیرا این کار، نشانه ضعف و مغلوبیت است. باید همواره با لحنی آرام و متین سخن بگوید؛ تا گفتار او تأثیر بیشتری در طرف مقابل داشته باشد.

رعایت ادب و نزاکت در مناظرات، اقتضا می کند که به سخنان یکدیگر دقیقاً گوش فرا داده و کلام همدیگر را قطع نکنند. ولو این که مقصود او را قبل از تمام شدن کلامش بفهمد. اخلاق مناظره ایجاب می کند طرفین به یکدیگر مجال سخن گفتن بدهند و تا مطلب طرف مقابل تمام نشده، کلامش را قطع نکنند، تا هم مقصود او را کاملاً بفهمد و هم این که محترمانه برخورد کرده باشد. دور از ادب و نزاکت است که انسان در بین کلام دیگری حرف بزند. چه بسا ممکن است گفتار طرف مقابل مجمل و مبهم بماند و پاسخ با پرسش، تناسب پیدا نکند. همچنین، تا بحث درباره یک موضوع به جایی نرسیده، وارد مبحث دیگری نشوند؛ چرا که در این صورت، بحث ها با هم مخلوط شده و نتیجه ای حاصل نمی شود. (حسینی میر صفی، ۱۳۹۰، ص ۴۵)

۸-۵- اجتهاد مناظره کننده

مناظره کننده باید در دین مجتهد باشد و به رأی خود فتوا دهد و از مذهب کس دیگر پیروی نکند؛ تا اگر حق بر زبان خصم او جاری شد به آن بگردد؛ اما کسی که مجتهد نیست نمی تواند با مذهب کسی که مرجع اوست مخالفت کند و در مناظره او هیچ فایده ای نیست؛ چه در صورت بروز ضعف در او نمی تواند مذهب خود را ترک کند. سپس اگر فرض شود که با مجتهدی وارد بحث و مناظره شود و مجتهد ضعف دلیل خود را دریابد، مجتهد زبانی نمی کند؛ زیرا بنای او عمل به چیزی است که از نظر او رجحان دارد، هر چند آنچه را راجح تشخیص داده در واقع رجحانی نداشته و ضعیف باشد. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۹۵)

۶- آداب اخلاقی مناظره

۱-۶- تأکید بر نکات مشترک

دو فرد یا دو گروه، زمانی می توانند به مناظره و گفتگو بپردازند که مشترکاتی با یکدیگر داشته باشند؛ و گرنه اگر بر سر هیچ مسئله ای با یکدیگر توافق نداشته باشند، هرگز امکان برقراری گفتگو میان آنان نخواهد بود؛ بنابراین، کسانی که آمادگی انجام مناظره و گفتگو با یکدیگر را دارند، هرچند در پاره ای از مسائل، مانند مسئله مورد گفتگو، ممکن است با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، اما دارای مشترکاتی نیز هستند. به نظر می رسد بهتر است گفتگو بر اساس زمینه های مشترک آغاز شود. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۲)

قرآن کریم در این باره می فرماید: (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ). (آل عمران/۶۴)

- بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگویید شاهد باشید که ما مسلمانییم [نه شما].

۲-۶- فهم موضوع

مناظره و گفتگو در خلأ صورت نمی گیرد؛ بلکه حتماً درباره مسئله و موضوع خاصی رخ می دهد. یکی از ابتدایی ترین شرایط تحقق یک مناظره سازنده و سودمند این است که طرفین مناظره نسبت به موضوع بحث و همه ابعاد و جوانب آن آگاهی کافی داشته باشند. آگاهی پیشین طرفین از موضوع بحث، موجب می شود دقیقاً بدانند که در صدد اثبات یا نفی چه چیزی هستند و برای اثبات نظریه خود باید از کجا آغاز کنند و در کجا بحث را پایان دهند. اصولاً سازماندهی بحث و جلوگیری از دخالت مسائل حاشیه ای، منوط به تعیین و شناخت دقیق موضوع بحث است. (فضل الله، ۱۳۸۰، ص ۵۰) و گرنه حاصلی جز اتلاف وقت و انرژی بر سر هیچ نخواهد داشت. قرآن کریم، کسانی را که بدون اطلاع از موضوع بحث و حقیقت مسئله به مجادله و بحث می پردازند، به شدت مذمت کرده است:

(هَأَنتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجِبْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ). (آل عمران/۶۶)

- هان شما [اهل کتاب] همانان هستید که در باره آنچه نسبت به آن دانشی داشتید محاجه کردید پس چرا در مورد چیزی که بدان دانشی ندارید محاجه می‌کنید با آنکه خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

(بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنَ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ). (یونس/۳۹)
- بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تاویل آن برایشان نیامده است کسانی [هم] که پیش از آنان بودند همین گونه [پیامبرانشان را] تکذیب کردند پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است.

۳-۶- صراحت

یکی دیگر از آداب اخلاقی مناظره، صراحت بیان و پرهیز از تکلف و تعارف در گفتار و دوری کردن از بکار بردن سخنان کنایه آمیز و چند پهلو و مبهم است. در یک مناظره حق طلبانه و حق خواهانه، هرگز نباید از کلمات و سخنانی استفاده شود که تاب تفاسیر متعدد و متنوعی را دارند. مخصوصاً در مواردی که "پای مصالح اساسی انسان و اجتماع در میان باشد، ناگزیر باید با صراحت سخن گفت تا از تفسیرها و تحلیل های دلخواهانه و نادرست که منطبق بر منافع گروهی یا شخصی است، جلوگیری شود". (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۲۹)

حتی اگر مخاطب و طرف گفتگوی ما به گونه ای است که می تواند برداشت های دیگری از سخنان و مستندات درست و صحیح ما داشته باشد، تا جایی که ممکن است باید این فرصت را از او بگیریم و برای اثبات مدعای خودمان، مستندات و ادله ای توجیه ناپذیر بیان کنیم. به همین دلیل، علی(ع) پیش از آغاز جنگ نهروان، زمانی که ابن عباس را برای گفتگو با خوارج اعزام می کرد، به او توصیه فرمود:

به قرآن بر آنان حجت میاور؛ که قرآن تاب معناهای گوناگون دارد. تو چیزی از آیه ای می گویی و خصم تو چیزی از آیه دیگر؛ لیکن به سنت با آنان گفتگو کن که ایشان را راهی نبود جز پذیرفتن آن. (شهیدی، ۱۳۷۸، نامه ۷۷، ص ۳۵۸)

۴-۶- توجه به گفته و نه به گوینده

یکی از آداب اخلاقی مناظره و گفتگو که رعایت آن موجب می شود تا مناظره از مسیر درست خارج نشود، این است که طرفین در بحث و گفتگوی خود همواره باید به بررسی ادله و مستندات یکدیگر بپردازند و هرگز نباید اجازه دهند که مسائل حاشیه ای چون انگیزه خوانی و بیان اهداف و نیت سوء طرف مقابل و امثال آن، در روند گفتگو اخلاص ایجاد کند. به تعبیر دیگر، گفتگو اقتضاء می کند که گفته و انگیزه مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد و نه گوینده و انگیزه. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۶)

این حقیقت، مورد تأیید و تأکید اولیای دین نیز بوده است. سخن امیر مومنان علی(ع) که می فرماید: به گفته بنگر و نه به گوینده، بهترین شاهد این حقیقت است. (الآمدی، ۱۴۰۷، ج ۱، فصل ۳۰، ص ۳۵۵، حدیث ۱۱)
از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: (خذ الحکمه ولا یضرک من أیّ وعاء خرجت). (محمدری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۵۰)

- حکمت را فراگیر و این که از کجا بیرون آمده به تو آسیبی نمی‌رساند.

همچنین از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: (لاتنظر إلی من قال وانظر إلی ما قال). (الآمدی، ۱۴۰۷، ج ۱۰۱۸۹) - به گوینده مَنگَر، بلکه به آنچه گفت بنگر.

حضرت عیسی(ع) نیز به پیروان خود چنین توصیه می کند: حق را از اهل باطل بگیرید؛ اما باطل را از اهل حق نگیرید؛ ناقدان سخن باشید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۲، ص ۹۶، حدیث ۳۹)

۵-۶- استدلال طلبی و حق محوری

یکی دیگر از شرایط تحقق گفتگوی سازنده و مناظره سودمند، این است که طرفین گفتگو حقیقتاً قصد پیروی از واقعیت و حقیقت بر اساس مستندات معقول و مقبول داشته باشند. هیچ یک از طرفین نباید به هر قیمتی، در صدد اثبات سخن خود باشد؛ بلکه باید بنا را بر پذیرش حق و سخنان مستدل بگذارند و هرگاه هر کدام از آنان متوجه اشتباه خود شد، صادقانه به اشتباهش اعتراف نماید و هرگز خطای معرفتی و علمی خود را با خطاهای اخلاقی نپوشاند. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۷)

قرآن کریم، در آیات متعددی بر این حقیقت تأکید کرده است که در هر گفتگویی همواره باید دانش و پیروی از دانش، به عنوان مسئله ای بنیادین و محوری مورد توجه قرار گیرد. قرآن کریم، همچنین مجادله از روی جهل و گمان را گناهی بس بزرگ به حساب آورده و آن را علامت و نشانه ای از وجود رذایلی اخلاقی، مانند خود بزرگ بینی، دروغگویی، حق ستیزی و حق گریزی در درون فرد مجادله گر دانسته است.

(الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرًا مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارًا). (غافر/۳۵)

- کسانی که در باره آیات خدا بدون حجتی که برای آنان آمده باشد، مجادله می کنند [این ستیزه] در نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده اند [امایه] عداوت بزرگی است؛ این گونه خدا بر دل هر متکبر و زورگویی مهر می نهد.

(إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ). (غافر/۵۶)

- در حقیقت آنان که در باره نشانه های خدا بی آنکه حجتی برایشان آمده باشد به مجادله برمی خیزند در دلپایشان جز بزرگنمایی نیست [و] آنان به آن [بزرگی که آرزویش را دارند] نخواهند رسید. پس به خدا پناه جوی؛ زیرا او خود شنوای بیناست.

(أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ). (انبیاء/۲۴)

- آیا به جای او خدایانی برای خود گرفته اند بگو برهانتان را بیاورید این است یادنامه هر که با من است و یادنامه هر که پیش از من بوده [نه] بلکه بیشترشان حق را نمی شناسند و در نتیجه از آن رویگردانند.

(وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا). (اسراء/۳۶)

- و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: (من أعان علی خصومه به غیر علم کان فی سخط الله حتی ینزع). (الحاکم النیسابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۲، حدیث ۷۰۵۱)

- کسی که در نزاع ها از غیر دانش یاری جوید، تا هنگام مرگ، در خشم خداست.

زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: حق خدا بر بندگان چیست؟ حضرت فرمودند: (ان یقولوا ما یعلمون ویقفوا عند ما یعلمون). (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۴)

- این که بگویند آنچه را می دانند و زبان نگه دارند از آنچه که نمی دانند.

۶-۶- ملایمت

یکی دیگر از نکات مهم و تأثیرگذار، که همواره در هر مناظره حق طلبانه ای باید مورد توجه قرار گیرد، ملایمت و نرمی در گفتار و کردار است. کسی که دارای سخن و مدعایی منطقی و مستدل است، چه حاجتی به جار و جنجال و خشونت دارد؟ سلاح منطقی و استدلال متقن، به مراتب، برتده تر و کارا تر از سلاح خشم و غضب است. اصولاً اولین آفت و ضرر خشونت و غضب در گفتار، نصیب خود فرد می شود. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۸)

امیر مومنان علی(ع)، در این باره می فرماید: شدت خشم، سخن گفتن را دگرگون کرده، قدرت استدلال را بریده و فهم و درک را پراکنده می سازد. (مجلسی، ۱۴۰۳. ه. ق، ج ۷۱، ص ۴۲۸، روایت ۷۸)

به نظر می رسد که برای جذب عقل ها و دل ها به سوی پذیرش حق، هیچ وسیله ای کارا تر از ملایمت و نرمی نیست. به همین دلیل است که خداوند، پیامبر اکرم(ص) را به دلیل برخورداری از این ویژگی ستوده و عامل موفقیت و جذابیت او را، همین ملایمت و مدارا معرفی می کند:

(فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّالْقَلْبَ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ). (آل عمران/۱۵۹)

- پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند.

۷- آفات اخلاقی مناظره

در حقیقت، کم توجهی به آداب اخلاقی مناظره و یا عدم مراعات هر یک از آنها می تواند به روند سالم مناظره آسیب رساند و مسیر درست آن را به انحراف بکشاند. عالمان بزرگ اخلاق، آفات اخلاقی بسیاری برای مناظره و گفتگوهای علمی برشمرده اند که در ذیل به مهمترین آنها اشاره می شود:

۷-۱- شخصیت زدگی

یکی از آفات و آسیب های اخلاقی مناظره ها و گفتگوهای علمی، این است که به جای ذکر دلیل و بیان استدلال برای نظر خود، شخصیت پیشینیان را محور قرار دهیم و به جای برخورد منطقی با استدلال های طرف مقابل، به تقلید کورکورانه از گذشتگان و سنت جاهلانه آنان پردازیم. در قرآن کریم، آیات متعددی در نهی از شخصیت زدگی و تقلید علمی کورکورانه آمده است. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۹)

مخالفان و دشمنان پیامبران، زمانی که با منطق قوی و محکم آنان مواجه می شدند، به جای پذیرش نتیجه مناظره و تسلیم شدن در برابر حق، شخصیت گذشتگان خود را به رخ می کشیدند و با اقتدای به آنان از پذیرش حق استنکاف می کردند. (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانُوا لَعَلْمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ). (مائده/۱۰۴)

- و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر[ش] بیایید می گویند آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم ما را بس است آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانسته و هدایت نیافته بودند.

(إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوْلِيَيْنِ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ قَالُوا سَوَاءَ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ). (شعراء/۱۳۶ تا ۱۳۸)

- گفتند خواه اندرز دهی و خواه از اندرزدهندگان نباشی برای ما یکسان است. این جز شیوه پیشینیان نیست؛ و ما عذاب نخواهیم شد.

(بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ. وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ. قَالَ أُولُو جُنُودِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ). (زخرف/۲۲ تا ۲۴)

- [نه] بلکه گفتند ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم با] پی گیری از آنان راه یافتگانیم. و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده‌ای نفرستادیم؛ مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته‌ایم و ما از پی ایشان راهسپرییم. گفت هر چند هدایت کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیاورم گفتند ما [نسبت] به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم.

۲-۷- مرآء یا جدالگری

یکی دیگر از بدترین و مخرب‌ترین آفت‌های مناظره‌ها و گفتگوهای علمی، جدال و مرآء است که آن عبارت است از پیکار لفظی و ستیزه در کلام، برای چیره شدن بر طرف مقابل و ساکت کردن او. (تهرانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۲) کسی که دارای روحیه مرآء و جدال است، همواره در پی به کرسی نشاندن سخن خود است؛ هر چند باطل بودن آن برای او آشکار شود. مرآء کننده، در حقیقت، خبر از خودخواهی، غرور، تکبر و خودپسندی خویشتن می‌دهد. او با رفتارش در برابر حق موضع گیری کرده و خود را در زمره اهل باطل و حق ستیزان قرار داده است. مرآء کننده گمان می‌کند که اعتراف به اشتباه، موجب از دست رفتن منزلت و موقعیت اجتماعی او می‌شود؛ در حالی که اگر نیک بنگرد، خواهد دید که چنین نیست؛ بلکه کسانی که تلاش می‌کنند تا حرف‌های اشتباه خود را به هر قیمتی توجیه نمایند و بر اشتباهاتشان سرپوش نهند، اعتماد دیگران را از خود سلب می‌کنند و نتیجه این سلب اعتماد، این می‌شود که سخنان درست و صحیح آنان مورد توجه دیگران قرار نمی‌گیرد. پیامبر اکرم(ص) در نکوهش مرآء و جدال می‌فرماید: هیچ کسی به کمال حقیقت ایمان نمی‌رسد؛ مگر اینکه از مرآء خودداری کند، حتی اگر حق با او باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳. ه. ق، ج ۲، ص ۱۳۸، حدیث ۵۳)

امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: از مرآء و دشمنی در گفتار بپرهیزید؛ چرا که این دو، دل‌ها را نسبت به برادران بیمار می‌کند و دورویی و نفاق بر روی آنها می‌روید. (کلینی، ۱۴۱۴. ه. ق، ج ۲، ص ۳۳۰، روایت ۱)

۸- نتیجه گیری

۱- مناظره، یکی از شیوه‌های پذیرفته شده در قرآن و سنت می‌باشد که باعث پرورش ذهن و واداشتن عقل به فعالیت و پیمودن راه استدلال و برهان می‌شود که به شکوفایی فکری می‌انجامد. لذا، مناظره از ابزارهای مهم رشد فکری، شکوفایی نیروی بیان، اراده و ایمان می‌باشد.

۲- گام نهادن در وادی مناظره، نیازمند تحمل زیاد، سعه صدر فراوان، دیدگاه وسیع و منطق قوی در برابر نظرات دیگران است؛ زیرا هیچ کس نمی‌تواند جز با منطق و برهان، دیدگاه خود را بر دیگری تحمیل نماید.

۳- گفت و گو اگر بر پایه مبانی و اصول مشترکی پی ریزی شود، می‌تواند حکیمانه و هدفمند باشد و قابلیت توصیه و سفارش برای تغییر در پایان گفت و گو نیز فراهم گردد؛ زیرا اگر طرفین گفت و گو، بر پایه اصول و مبانی مشترک، گفت و گوها را آغاز و پی گیری نمایند، می‌توانند گفت و گویی سامانمند را ترتیب دهند که هدف آن شناسایی نقاط قوت و ضعف نظریه و آراء و افکار یکدیگر، دست یابی به نقاط مشترک دیگر برای افزایش ارتباطات منطقی و انسانی، تصحیح و اصلاح فکر و روش و مانند آن، رسیدن به هدف و مقصود از گفت و گو و مناظره و در نهایت پذیرش توصیه‌ها و سفارش‌های یکدیگر برای بهبود وضعیت فکری و رفتاری باشد.

۴- در هر گفتگوی منطقی و انسانی که به هدف تفاهم، ارتباط بیش تر و انتقال دانش‌ها صورت می‌گیرد، مولفه‌هایی چون تحلیل درست، تبیین کامل و توصیه در چارچوب تحلیل‌ها و تبیین‌ها، امری پسندیده است؛ بنابراین طرفین مناظره‌های

منطقی، حکیمانه، در برابر هم قرار می‌گیرند و به تبیین و تحلیل افکار و آرای یکدیگر می‌پردازند و در نهایت به توصیه‌ها و نتایج گفتگو پای بند می‌شوند و براساس آن، حرکت خویش را ادامه می‌دهند.

۵- هدف از مناظره باید، ایجاد فضایی برای درک درست حقایق باشد. براین اساس، روشنگری و بصیرت بخشی باید به عنوان هدف مناظره مورد توجه قرارگیرد؛ زیرا از نظر قرآن هرگونه مناظره‌ای که به دور از رسیدن به این هدف باشد، مناظره‌ای بیهوده، لغو و نارواست و مؤمن مجاز به ورود به این گونه مناظره‌ها نیست.

۶- جدل، نوعی مناظره می‌باشد که به دو نوع احسن و غیر احسن قابل تقسیم است؛ جدال احسن مورد نظر خدا بوده و شیوه تربیتی پیامبر اکرم (ص)، بر اساس آن استوار است. جدال غیر احسن، مورد مذمت و نکوهش بوده و از روی جهل و گمان و تعبد کورکورانه بدون علم و آگاهی صورت می‌گیرد که منجر به اثبات باطل می‌گردد.

منابع و ماخذ

۱. ابن فارس بن زکریاء، ابوالحسین احمد، بی تا، معجم مقاییس اللغة، تصحیح و تعلیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالجمیل.
۲. ابن منظور، جمال الدین، ۱۴۰۸هـ، لسان العرب، تعلیق و فهارس: علی سیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. الآمدی، عبدالواحد، ۱۴۰۷هـ، غررالحکم و درر الکلم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴. تهرانی، مجتبی، ۱۳۸۱، اخلاق الاهی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. الحاکم النیسابوری، بی تا، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. حسینی میر صفی، سیده فاطمه، ۱۳۹۰، شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق(ع)، تهران: نشر امیر کبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه، زیر نظر دکتر معین و دکتر شهیدی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. رزمجو، حسین، ۱۳۷۰، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۲، آیین زندگی(اخلاق کاربردی)، قم: دفتر نشر معارف.
۱۰. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۰، انواع ادبی، تهران: انتشارات باغ آینه.
۱۱. شهید ثانی، ۱۳۷۴، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، ترجمه سید محمد باقر حجتی، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۸، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. فضل الله، محمد حسین، ۱۳۸۰، گفت و گو و تفاهم در قرآن کریم، ترجمه حسین میردامادی، تهران: مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها و انتشارات هرمس.
۱۴. فنائی اشکوری، محمد، ۱۳۷۴، معرفت شناسی دینی، تهران: انتشارات برگ.
۱۵. فیض کاشانی، محسن، ۱۳۷۲، المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، کتاب راه روشن، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۴هـ. ق، اصول الکافی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳هـ. ق، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، علم و حکمت در قرآن و سنت، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث.

۲۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.

۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۶، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، قم: موسسه امام خمینی.

۲۲. معلوف، لوئیس، ۱۹۹۲م، المنجد فی اللغه، بیروت: بی نا.

Manners of Debate from the Perspective of the Qur'an and Tradition

Zeinab Sanchooli

A Faculty Member of the Department of Theology, Islamic Azad University, Branch of Zahedan, Zahedan, Iran

Abstract

One of the most formal manners of argumentation and reasoning is debate. Debate is an organized and purposeful scientific dialogue that aims to determine the ideas and opinions of others, in which each side tries to identify the other's behaviors through questions and answers, and to prove the rightness or wrongness of an idea or thought by criticizing it, as an attempt to change the other side or the addressees' attitudes and insights. The main goal in Islamic debates is to overcome the obstacles and discover the truth, and the only means of attaining the truth and facts is reasoning, logic and argument, and the accuracy of arguments is determined based on their correspondence with reality. Therefore, dialogue and debate give rise to new thoughts and beliefs, and pave the way for the growth and development of intellects as well as the emergence of reality in the process of a scientific and healthy discourse with conflicting thoughts and ideas.

Keywords: Debate, Manners, the Qur'an, Tradition.
